

◀ در واقع من فکر می‌کنم نسبتی بین خنده و خرد وجود دارد. واقعاً جایی که شما می‌خندید می‌توانید خیلی خردمندانه نگاه کنید. یاد جمله چاپلین افتادم که می‌گوید «زندگی از نمای کلوزآپ تراژدی است ولی در لانگ‌شات کمدی است» شما جهان را از بیرون نگاه کنید کلان‌زندگی و جهان بیشتر خنده‌دار است تا گریه‌دار...

به علاوه اینکه ما ژانرهای مختلف کمدی در دنیا داریم.

◀ بله و این دور بودن یعنی وقتی خردمندانه به جهان نگاه کنید خنده‌دار است. البته خنده به معنای بی‌عاری نیست اتفاقاً در پس این خنده خردورزی وجود دارد. اگر جشنواره‌ها یک مقدار روی این مسأله حساس باشند و اگر چهار بار چند فیلم کمدی خوب جایزه بگیرد که نمی‌گیرد، حتی در اسکار هم نمی‌گیرد. آدم‌ها دنبال فیلم کمدی خواهند رفت. اگر ما می‌بینیم برادران کوئن یا وودی الن به طرف نوعی از کمدی می‌روند برای اینکه مسأله‌شان نیست که بخوانند اسکار بگیرند یا نگیرند.

◀ در ایران هم شاید به خاطر آن جنس کمدی‌هایی که ساخته نمی‌شود، می‌گویند که جشنواره جای کمدی نیست، انگار که کمدی را ژانر خیلی جدی‌ای نمی‌دانند. البته چند سال پیش فیلم «ورود آقایان ممنوع» رامبد جوان جایزه هم گرفت.

بله، ولی آن فیلم هم موضوع جذابی داشت و اصولاً نگاه رامبد به کمدی هم نگاه جدیدتری است. در حال حاضر هم سروش صحت طنزی دارد که جذاب است یا سامان مقدم و...

◀ یکی از نمونه‌های خوب کمدی که جدی است و خیلی حرف برای گفتن دارد می‌تواند «اجاره‌نشین‌ها» آقای مهرجویی باشد.

بله. منتها باید ژانرهای کمدی به وجود بیاید. من فکر می‌کنم اگر جامعه‌ای امروز به یک چیز پیش‌پاافتاده بخندد و به موضوع پیچیده‌ای که طنزآلود است و فحوا کمدی دارد نتواند بخندد، اگر روزی بتواند بخندد یعنی فرهنگ‌اش بالا رفته است. برعکس آن هم می‌شود؛ اگر سینما یا تئاتر کمدی بتواند سلیقه‌های جدید کمدی به وجود بیاورد آن جامعه از نظر فرهنگی خیلی پیشرفت خواهد کرد. منتها این اتفاق نمی‌افتد. البته در ایران مدتی بود یکسری فیلم‌های متفاوت داشت در کمدی به وجود می‌آمد، اما الان پشتیبانی نمی‌شود. همین که در ایران از کلمه کمدی می‌ترسند، می‌گویند این فیلم طنز است. اصلاً طنز مربوط به حوزه ادبیات است.

◀ چرا؟

برای اینکه خجالت می‌کشیم...

◀ انگار یک بار منفی دارد.

بله انگار که وقتی می‌گوییم کمدی یعنی سطحی است.

◀ و فکر می‌کنیم طنز به آن بار فاخرتری می‌دهد. اتفاقاً من فکر می‌کنم در وضعیت کنونی اگر یک اثر کمدی خوب ساخته شود که دچار ابتذال نشود، اما بتواند مردم را بخنداند با وضعیتی که مردم ایران دارند همین هم یک هدف غایی است.

بله. ولی من حتی با این هم یک مقدار اذیت می‌شوم، می‌گویم که وسیله نشود.

◀ منظورتان این است که به عنوان یک ژانر مستقل باشد.

بله. در نظر بگیرید که نقاشی‌های قدیم نقاشی‌های رئالیستی بود و بعد امپرسیونیست‌ها آمدند و بعد اتفاقاتی افتاد و فرم عوض شد، اکسپرسیونیست‌ها آمدند و دوباره یکسری اتفاقات فرهنگی و فلسفی رخ داد که سوررئالیست‌ها آمدند و بعد در پی یکسری اتفاقات کوبیست‌ها آمدند. حال آن سلیقه کوبیستی که نقاشی کوبیست یا نقاشی آبستره را در غرب می‌پسندند هر کمدی‌ای را نمی‌تواند بپسندد، طنز پیچیده دیگری می‌خواهد که در آمریکا هست، منتها در هالیوود نمی‌رود و در سینمای سرگرمی قرار می‌گیرد. یک کمدی که مسائل اجتماعی را می‌گوید یا فقط می‌خنداند را بر نمی‌تابد، آن مخاطب کمدی خودش را می‌خواهد و ما در ایران هم آدم‌هایی داریم که هیچ‌گونه از این کمدی‌ها سلیقه‌شان را ارضا نمی‌کند و به همین دلیل اصلاً به طرف آن نمی‌روند. از جمله خود من که فیلم‌های کمدی‌ای که ساخته می‌شود نمی‌تواند من را آتقدر بخنداند، ولی مثلاً برادران کوئن یا کارهای آیزورد من را از ته دل می‌خنداند. مثلاً مانتی پاتون که ساختارهای شالوده‌زایی را به عنوان یک چیز کمدی ارائه می‌دهد، من را روده‌پر می‌کند و دوست دارم طوره‌های دیگری ببینم. ولی فعلاً آنها نمی‌توانند در ایران کار کنند برای اینکه اصلاً بستر آن وجود ندارد.

◀ یا اینکه مثلاً ممکن است ذائقه مخاطب ایرانی در ارتباط با کمدی هنوز



یکی از دلایلی که من هیچ وقت زیاد به فیلم‌های تاریخی علاقه نداشتم به خاطر نوع دیالوگ‌هاست برای اینکه مال خودم نمی‌شد و نمی‌توانستم آن را مال خودم کنم، اما اینجا خیلی راحت روی من نشست و نیاز نداشتم خیلی آن را تغییر بدهم که مال خودم بکنم

تغییر نکرده باشد. بله. ولی خیلی سریع می‌تواند تغییر کند.

◀ ضمن اینکه ما ایرانی‌ها فارغ از همه این مسائل ذاتاً یک نوع روحیه شوخ‌طبعی و طنز داریم.

بله داریم. مثلاً آقای مهران مدیری هر بار کار جدیدی کرد یک سلیقه جدیدتر ارائه داد و مردم با آن جلو رفتند.

◀ یا مثلاً کمدی‌های سیاه و آیزورد یعنی کارهای کاهانی مثل «هیچ» که مهدی هاشمی بازی می‌کرد و هرچه می‌خورد سیر نمی‌شد. من آن را ندیدم، اما راجع به آن شنیده‌ام.

◀ بله در آن فیلم قصد کمدی نیست، ولی موقعیت‌های کمدی خیلی جذابی ایجاد می‌کند. کمدی است. نترسیم بگوییم کمدی است.

◀ فیلم خیلی تلخی بود.

خب از آیزوردها همین برمی‌آید. به نظر من اکثر کارهای آیزوردی که در تئاتر نوشته شده است و بعد فیلم‌های آیزوردی که به وجود آمده است رای یک نوع ژانر کمدی می‌بینم. یعنی اصولاً وقتی پوچی انسان و آیزورد بودن و عجیب بودن موقعیت بشر را در جایی که هست و در آن تنهایی، در یک موقعیت داستانی قرار می‌دهند، خنده‌دار می‌شود. ولی یک خنده فلسفی که آدم لبخند می‌زند و انگار به انسان و وضعیت خودش می‌خندد. اما الان کمدی‌های ما یک مقدار سیاست‌زده و پول‌زده است.

◀ همچنین خیلی براساس الگوهای تکراری بازگویی می‌شود. در نتیجه فضای متفاوتی از کمدی‌ها نمی‌بینیم. بله همین‌طور است. باید شجاعت مالی داشته باشند که آدم می‌فهمد و نمی‌تواند انتظار داشته باشد که کسی این کار را بکند.

◀ من «پوپک و مش ماشالله» را دوست داشتم شاید از همان الگوهای تجربه شده استفاده می‌کند، اما باز یک مقدار فضای متفاوتی را ایجاد کرده است. یک مقدار بله.

◀ شما نقش‌های کمدی زیاد بازی کردید و الان در شمایل نقش عجیب خوابگزار در اثری تاریخی هستید.

بله به چند دلیل است؛ هم به دلیل اینکه خیلی از کمدی‌هایی که می‌آید را نمی‌پسندم و هم اینکه می‌ترسم در ژانرهای دیگر چالش نشوم.

◀ همچنان ژانر کمدی برایتان جذاب‌تر است؟ بله بیشتر از هر چیز دوست دارم بخندم و بخندانم. ◀